

سوگند و سوگند خوردن

سوگند (saokenta) در اوستا به معنای گوگرد است که با پسوند vant به معنای " دارنده " به صورت saokenta-vant (سوگند ونت) به معنای دارای گوگرد در وندیداد بکار رفته و آن آب آمیخته به گوگردی بوده است که به تجویز وندیداد (فصل چهارم ، فقرات ۵۵۵۴) در ایران باستان به متهمان می خوراندند و از روی اثر آن مقصر یا بی تقصیر بودن متهم را تعیین می کردند . اصطلاح " سوگند خوردن " در فارسی ، یعنی استعمال فعل " خوردن " با کلمه " سوگند " ، یاد آور مفهوم واقعی آن یعنی نوشیدن saokenta-vant (آب آمیخته به گوگرد) است که در طی زمان این مفهوم به فراموشی سپرده شده و سوگند و سوگند خوردن به معنای قسم و قسم یاد کردن بکار رفته است .

سوگند و سوگند خوردن در نوشته‌های مربوط به زمان ساسانیان در مفهوم " ور " لا اقل به معنای " ور " گرم استعمال شده است (۱) . در مقدمه سوگند نامه‌ای که از نوشته‌های

۱- " ور " (Var) یا آزمایش دینی عبارت از تعدادی آزمایش معمول در نظام دادگستری ایران باستان بوده که در مواردی خاص مدعی یا متهم را در معرض یکی از آنها قرار می دادند . تاصحت یا سقم اظهارات آنان ثابت گردد . " ور " در اوستا اهمیت بسیاری داشته و متنهای حقوقی اوستا دستورها و مراسم خاصی را نسبت به آن حاوی بوده است . بنا به بخش هفتم دینکرد ، در ایران باستان ۳۳ نوع " ور " معمول بوده است و بنا بر همین کتاب ، نسکهای مختلف اوستا به ویژه نیکادوم نسک ، سگاتوم نسک و هوسپارم نسک ، که هر سه از نسکهای حقوقی بوده‌اند ، از " ور " بحث می کرده‌اند و یکی از بخشهای سگاتوم نسک موسوم به " ورستان " بوده و مقررات و احکام " ور " ها را بیان میکرده است . از این مقررات و چگونگی انواع " ور " ها اطلاعی در دست نیست ، ولی می دانیم که " ور " ها به دو نوع بوده‌اند . " ور گرم " مانند گذشتن از آتش و " ور سرد " مانند خوردن آب آغشته به گوگرد . لازم است اضافه شود که انواع آزمایشهای دینی علاوه بر ایران باستان در کشورهای قدیم اروپایی و همچنین جوامع ابتدایی معمول بوده است و به آنها به فرانسوی " اوردالی " (Ordalie) و به انگلیسی " اوردال " (Ordeal) گفته می شود .

پهلوی زمان ساسانیان در دست می باشد . آمده است که : " چند گونه سوگند بوده است : یکی آن که از آتش گذرمی کرده اند و گونه دیگر آن که آهن گرم و سرخ کرده بر زبان می نهاده اند " . داراب هرمز دیاد ، در کتاب " روایات " جلد اول ، راجع به آذر پادمهر اسپندان (موبدان موبد عهد شاپور دوم ، پادشاه ساسانی ۳۱۰-۲۷۹ میلادی) می نویسد :

آذر پادمهر اسپندان گفت : اگر شما را به راستی و درستی دین پاک و نیک مزدیسنا شکی است من سوگند یاد می کنم . و کسانی که اندک تردیدی داشتند گفتند : چگونه سوگند می خوری ؟ آذر پاد گفت : من نزد شما سر و تن بشویم ، آنگاه روی گداخته به روی سینه من بریزند ، اگر من سوختم شما راست می گوئید و اگر نسوختم من راست کردارم . پس گمراهان این شرط را پذیرفتند و آذر پاد سر و تن شست و نه من روی گداخته بر سینه او ریختند و او را هیچ رنجی نرسید . پس از همه شبهه برخاست و به دین پاک بیگمان شده اعتراف نمودند (۲) .

در مورد آرمایش فوق در بخش هفتم " دینکرد " (۳) مندرج است که " از این پس رسم سوگند یاد کردن در میان پیروان زرتشت بماند . از آن رسوم است ریختن فلز گداخته به روی سینه چنانکه آذر پاد مهر اسپندان کرد " .

در کتاب " ویس و رامین " نیز سوگند خوردن به معنی " ور " یعنی گذشتن از آتش آمده است . وقتی ویس به شاه اظهار می دارد که میان وی و رامین کاری ناشایست نرفته است ، شاه از ویس می خواهد که برای اثبات صحت گفتار خود سوگند بخورد و دستور می دهد آتش بزرگی بر آفرزند تا ویس از آن بگذرد (۴) .

۲- آزمایش فلز گداخته به زردشت نیز نسبت داده شده و اجرای آن را یکی از معجزات و شمرده و روایت کرده اند که زردشت هنگام دعوی رسالت در حضور کی گشتاسب دستور داد مس گداخته به روی سینه وی ریختند و چون آسیبی ندید پیغمبری وی به ثبوت رسید .

۳- دینکرد کتابی پهلوی است که در نیمه اول قرن نهم میلادی مطابق سده سوم هجری نوشته شده است .

۴- در این مورد در " ویس و رامین " چنین آمده است :

همانکه ویس در رامین نظر کرد	مرو را گفت بنگر حال این مرد
که آتش چون بلند افروخت ما را	بدین آتش بخواهد سوخت ما را
مرا بفریفت موبد دی به سوگند	به شیرینی سخنها گفت چون قند
بدو گفتم خورم صد باره سوگند	که رامین را نبند با ویس پیوند
کنون در پیش شهری و سپا هی	زمن خواهد نمودن بی گنا هی
مرا گوید به آتش بر گذر کن	جهان را از تن پاکت خبر کن

البته این سوگند یاد نمی شود ، زیرا ویس که بارامین رابطه دارد و به شاه دورغ گفته است از ترس سوختن در آتش با رامین فرار می کند . (برای اطلاع بیشتر رجوع شود به : " ویس و رامین " ، فخرالدین گرگانی ، به اهتمام محمد جعفر محجوب ، گفتار ۵۴ و ۵۵ ، ص ۱۴۶ و بعد) .

گذشتن سیاوش از آتش نیز در واقع بعنوان سوگند خوردن بر بیگناهی خود انجام گرفته است . ✓

قسم در حقوق اسلامی

در حقوق اسلامی که یک حقوق دینی است قسم اهمیت زیادی دارد و از دلایل اثبات دعوی حقوقی و جزائی می باشد و آن ممکن است متوجه مدعی یا مدعی علیه گردد .
قسم مدعی بر سه نوع است : قسمت جزء بینه ، قسم استظهاری و قسامه . قسم جزء بینه در صورتی است که عده شهود برای شهادت کافی نباشد ، قسم استظهاری در مورد ادعای بر میت است و قسامه قسمی است که ولی دم برای ثبوت قتل یاد می کند .
قسم مدعی علیه بر دو نوع است : قسم نفی العلم و قسم بتی . قسم نفی العلم در مورد دعوی بر میت می باشد و قسم بتی راجع به امری است که منتسب به خود مدعی علیه باشد .

از انواع قسمهای فوق قسامه مهمتر است . این است که به شرح آن می پردازیم :
قسامه به فتح قاف عبارت است از قسمهایی که مدعیان خون با نبودن شاهد برای اثبات جرم برای ثبوت قتل یاد می کنند (۵) .

قسامه در اثبات قتل عمد پنجاه قسم است که به لفظ جلاله (الله) یاد می شود . در قتل و جنایت خطادر تعداد قسمهایی که مدعیان خون باید بخورند بین علما خلاف است :

بعضی گفته اند بیست و پنج قسم باید یاد شود و بعضی در آن نیز پنجاه قسم لازم شمرده اند (۶) .

قسامه به شرطی مورد عمل واقع می گردد که اولاً " دعوی از طریق اقرار قاتل و شهادت شهود قابل اثبات نباشد ، ثانیاً " قرینه‌ای دال بر غلبه ظن بر صحت ادعای مدعی و توجه اتهام به متهم وجود داشته باشد ، مانند این که سلاح متهم به خون آلوده باشد و یا جسد مقتول در ده یا کوچه ای که غیر اهل آنها در آن تردد نکنند پیدا شود .
ولی دم که شخصی را متهم به قتل می کند در صورت بودن شرایط فوق باید پنجاه مرد حاضر کند که قسم بخورند . که متهم مرتکب قتل شده است و بعد از قسم خوردن قتل

۵- در فقه اسلامی دعوی قتل به سه چیز اثبات می شود : اقرار قاتل ، بینه (شهادت دو مرد عادل بر وقوع قتل بوسیله متهم) ، قسامه .
۶- قسامه از طرق اثبات قتل در جاهلیت بوده است که اسلام آن را تائید و تجویز کرده است .

برگردن متهم ثابت می گردد (در این صورت قاتل را به ولی دم تحویل می دهند و وی مخیر است او را بکشد یا عفو کند و یا از او دیه و خون بها بگیرند) .
 اگر مدعی خون چهل ونه مرد از کسان خود بیاورد و هر یک قسم بخورند که متهم مرتکب قتل شده است و با قسم خود مدعی پنجاه قسم شود جرم و در نتیجه قصاص ثابت می گردد .

اگر کمتر از چهل ونه مرد باشد و یا بیشتر باشد و بعضی از آنها از خوردن قسم خودداری کنند باقی مکرر قسم می خورند تا پنجاه قسم شود و هرگاه خویشان مقتول حاضر نشوند و قسم نخورند و یا اینکه مقتول خویش نداشته باشد خود مدعی پنجاه مرتبه قسم می خورد و قصاص ثابت می شود . اگر مدعی از قسم خوردن خود داری کند متهم و خویشان او پنجاه قسم می خورند ، دعوی ساقط می شود و متهم مبری می گردد . هرگاه متهم خویش یا خویشانی نداشته باشد و یا در صورت داشتن از قسم خوردن امتناع ورزند خودش پنجاه قسم می خورد و دعوی ساقط می شود و اگر خودش نیز قسم نخورد جرم و قصاص ثابت می گردد .
 قسامه در جنایت مربوط به اعضای بدن نیز وجود دارد ، ولی در عدد آن بین علماء خلاف است ؛ بعضی پنجاه قسم و برخی بیست و پنج قسم وعده ای شش قسم لازم شمره اند .

سوگند در حقوق ایران

سوگند در حقوق ایران یکی از ادله اثبات دعوی حقوقی است (۷) ، ولی از ادله اثبات دعوی جزائی نمی باشد . سوگند معمولاً " متوجه منکر یعنی مدعی علیه است ، ولی مدعی هم در مواردی باید سوگند یاد کند . سوگند به نام "خدا" یاد می شود .
 اعتبار سوگند محدود به موارد معین یعنی دعاوی است که به شهادت شهود قابل اثبات باشد .

طبق قانون مدنی ، (۸) فقط در دعاوی که بشهادت شهود قابل اثبات است مدعی می تواند حکم به دعوی خود را که مورد انکار مدعی علیه است منوط به قسم او نماید (۹) .
 در مورد فوق مدعی علیه نیز می تواند در صورتی که مدعی سقوط دین یا تعهد

۷- دلایل اثبات دعوی حقوقی عبارتند از : ۱- اقرار ۲- اسناد ۳- شهادت ۴- امارات
 ۵- قسم (ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی) .
 ۸- مواد ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۵ قانون مدنی .
 ۹- برای اطلاع از دعاوی که بشهادت شهود قابل اثبات نیست رجوع شود به : قانون مدنی ، مواد ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۲ .

یا نحو آن باشد حکم به دعوی را منوط به قسم مدعی کند .
 کسی که قسم متوجه او شده است در صورتی که نتواند بطلان دعوی طرف را اثبات کند یا باید قسم یاد نماید یا قسم را به طرف دیگر رد کند و اگر نه قسم یاد کند و نه آن را به طرف دیگر رد نماید نسبت به ادعایی که تقاضای قسم برای آن شده است محکوم می گردد .
 قسم قاطع دعوی است و هیچ گونه اظهاری که منافی با قسم باشد از طرف پذیرفته نمی شود .

در دعوی بر متوفی (در موردی که مدرک سند رسمی نباشد) در صورتی که اصل حق ثابت شده باشد و بقای آن در نظر دادگاه ثابت نباشد دادگاهی تواند از مدعی بخواهد که بر بقای حقوق خود قسم یاد کند . در این مورد کسی که از او مطالبه قسم شده است نمی تواند قسم را به مدعی علیه رد نماید .

تقاضای قسم قابل توکیل است و وکیل در دعوی می تواند طرف را قسم دهد ، لیکن قسم یاد کردن قابل توکیل نیست و وکیل نمی تواند به جای موکل قسم یاد کند .
 بموجب قانون آیین دادرسی مدنی ، در مواردی که حکم ادعا منوط به سوگند می گردد دادگاه قرار اتیان سوگند صادر می کند و در آن موضوع سوگند خوردن و شخصی را که باید سوگند بخورد تصریح می نماید . دادگاهی که باید سوگند در آنجا یاد شود تعیین وقت می کند و طرفین را احضار می نماید (۱۰) .

سوگند دروغ مجازات دارد و هرکس که در مورد دعوی حقوقی قسم متوجه او شده باشد سوگند دروغ یاد نماید به حبس جنحهای از یک تا سه سال محکوم خواهد شد (۱۱) .
 همانطور که قبلاً اشاره شد ، در حقوق ایران برخلاف حقوق اسلامی در دعاوی کیفری سوگند جزو دلایل اثبات دعوی نیست ، ولی در تحقیقات مربوط به امور کیفری شهود تحقیق و مطلعان برای التزام به گفتار حقیقت باید به نام خداوند سوگند یاد نمایند و باز پرس مکلف است آنان را قبل از اظهار اطلاعات سوگند دهد (۱۲) .
 گواهی دروغ در امور جزائی و همچنین در امور اداری مجازات زندان دارد (۱۳) .

۱۰- مواد ۴۶۳ و ۴۶۴ قانون آئین دادرسی مدنی . برای اطلاع از ترتیب اتیان سوگند در دادگاه ، رجوع شود به قانون آئین دادرسی مدنی ، مواد ۴۶۵ تا ۴۶۹ .

۱۱- ماده ۲۲۱ قانون مجازات عمومی .

۱۲- مواد ۱۴۵ و ۲۴۷ قانون آئین دادرسی کیفری . در مواردی گواهی برخی اشخاص بدون سوگند دادن آنها استماع می شود . برای اطلاع از این موارد رجوع شود به قانون آئین دادرسی کیفری ، مواد ۲۴۵ و ۲۴۶ .

۱۳- برای اطلاع از مجازات گواهی دروغ در امور جزائی و در امور اداری ، رجوع شود به قانون مجازات عمومی ، مواد ۲۱۵ تا ۲۱۹ .

بر طبق اصل سی و نهم متمم قانون اساسی ، پادشاه قبل از جلوس بر تخت سلطنت در مجلس شورای ملی حاضر می شود و با حضور اعضای مجلس شورای ملی و هیئت وزراء قسم یاد می کند .

علاوه بر آنچه گفته شد برای تصدی برخی مشاغل مانند نمایندگی در مجلس شورای ملی ، قضاوت یا عضویت در خانه های انصاف و غیره طبق مقررات لازم است که شاغلان قبل از شروع به کار طی مراسم تحلیف برای درستی در انجام وظایف سوگند یاد نمایند . در خاتمه لازم است اشاره شود که امروزه در دعاوی مدنی توسل به سوگند بعنوان دلیل عملاً کمتر شده است و حکمی که از دادگاهها براساس سوگند صادره شده باشد نادر است .

منابع و مأخذ

- ۱- " اوردالی " ، دکتر حسن حسنی ، مجله حقوق و مردم ، سال نهم ، شماره ۳۴ و ۳۳ ، پائیز و زمستان ۱۳۵۲ ، ص ۶۰-۵۷ .
- ۲- برهان قاطع ، به اهتمام محمد معین ، ۱۳۳۱ ، جلد دوم ، ص ۱۱۹۰ ، زیرنویس مربوط به " سوگند " .
- ۳- تمدن ساسانی ، علی سامی ، ۱۳۴۲ ، ص ۱۴۵ .
- ۴- حقوق مدنی ، دکتر علی شایگان ، چاپ چهارم ، بهمن ماه ۱۳۳۱ ، ص ۱۴۵ و ۱۴۶ ، شماره ۲۵۵-۲۵۸ .
- ۵- " سوگندنامه " ، ابراهیم پور داود ، مجله مهر ، شماره ۵ و ۶ ، بهمن و اسفند ۱۳۲۱ ، ص ۲۹۲-۲۸۱ .
- ۶- قانون آیین دادرسی کیفری .
- ۷- قانون آیین دادرسی مدنی .
- ۸- قانون مجازات عمومی .
- ۹- قانون مدنی .
- ۱۰- قانون کیفری در اسلام ، سید صادق بنی حسینی ، از انتشارات مطبوعات دینی ، ص ۱۳۵-۱۳۰ .
- ۱۱- قوانین فقه اسلامی ، دکتر صبحی محمصانی ، ترجمه جمال الدین جمالی ، جلد اول ، ۱۳۳۹ ، ص ۲۲۵ و ۲۲۶ .

- ۱۲- مختصر نافع ، محقق حلی ، ترجمه فارسی از قرن هفتم ، باهتمام محمد تقی دانش پژوه ، ۱۳۴۳ ، کتاب قصاص ، ص ۳۷۷ و ۳۷۸ .
- ۱۳- مزديستنا ، محمد معين ، ۱۳۳۷ ، ص ۱۵۴ .
- ۱۴- مفاهيم و ضوابط جديد در حقوق مدني ، دكتور سيد حسين صفائي ، از انتشارات مركز تحقيقات ، شهريور ماه ۲۵۳۵ ، ص ۲۶۵ و ۲۶۶ .
- ۱۵- ويس ورامين ، فخرالدين گرگاني ، باهتمام محمد جعفر محبوب ، ديبا ه ۱۳۳۷ ، گفتار ۵۴ و ۵۵ ، ص ۱۴۶ و بعد .
- ۱۶- ونديداد (مجموعه قوانين زردشت) ، ترجمه از سانسکريت و پهلوی بوسیله جيمس دار مستتر ، ترجمه فارسی از دکتر موسی جوان ، ۱۳۴۲ ، فصل چهارم ، فقرات ۵۴ و ۵۵ .
- ۱۷- یاد نامه پورداود ، انجمن زردشتیان ایران ، ۱۳۲۵ ، جلد اول ، ارداویراف نامه ، ص ۱۸۰ .